



BEJ

مجله اخلاق زیستی

دوره دهم، شماره سی و پنجم، ۱۳۹۹

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/be>



مقاله پژوهشی

مبانی هنجاری خسارت‌زدایی جمعی از بزهدیدگان جرائم

فرامرز قلی‌پور جمنانی*^۱، سیدرضا احسان‌پور^۲ 

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامسر، رامسر، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این مطالعه در زمینه حمایت از بزهدیدگان و تسکین آلام جسمی، روحی و روانی آنان از نظراخلاقی و اجتماعی و با هدف تبیین نظریه خسارت‌زدایی جمعی از بزهدیدگان جرائم و تحلیل مبانی هنجاری آن انجام شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تحلیلی، پس از جستجوی هدفمند و مرور منابع، نظریه خسارت‌زدایی جمعی، تبیین و مبانی هنجاری آن تحلیل شد.

یافته‌ها: یکی از دغدغه‌های مهم نظام‌های حقوقی، جبران تمام خسارت و زیان‌های وارده بر بزهدیده در سریع‌ترین زمان و به راحت‌ترین شیوه است، به نحوی که بزهدیده، خسارات ناشی از جرم را در فرایند خارج از رسیدگی دادگاه کیفری و صرف نظر از تعقیب یا مجازات بزهدیده و یا صرف نظر از توانایی یا ناتوانایی وی به جبران خسارت، از دولت یا سازمان‌های مردم‌نهاد دریافت کند. تحقق این امر زمانی میسر خواهد بود که نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزهدیدگان حاکم شود. بر اساس نظریه خسارت‌زدایی جمعی، بزهدیده کلیه خسارات وارده بر خود را از دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد دریافت می‌کند و دولت نیز پس از پرداخت خسارت بزهدیده و به جانشینی از وی، علیه مرتکب جرم اقدام به طرح دعوی نموده و خسارات پرداختی را دریافت می‌کند. مبانی هنجاری این سیاست، عدالت، همبستگی اجتماعی و لزوم حمایت از قربانیان جرم است. نظریه خسارت‌زدایی جمعی از نظریه‌های تابع بزهدیده‌مداری حمایتی است که گستره آن ترمیم خسارات مادی، عاطفی و حتی پزشکی را شامل می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

نتیجه‌گیری: در حقوق کیفری ایران، به جز بحث ضمان عاقله که نهادی استثنایی و برگرفته از فقه جزایی است، نص خاصی مرتبط با خسارت‌زدایی جمعی و جبران ضرر و زیان وارده بر بزهدیده خارج از سیستم عدالت قضایی وجود ندارد و رویه قضایی نیز در عمل به این مهم گرایشی نشان نداده است. از این رو توصیه می‌شود اصل مسؤولیت مطلق دولت در جبران کامل خسارات وارده بر بزهدیدگان توسط سیاستگذار جنایی به رسمیت شناخته شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۶/۰۳

واژگان کلیدی:

بزهدکار

بزهدیده

خسارت‌زدایی

مبانی هنجاری

دولت

* نویسنده مسؤول: فرامرز قلی‌پور جمنانی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

تلفن: ۰۹۱۱ ۳۷۷ ۵۳۵۵

نمبر: ۰۱۱ ۵۵۲۶ ۰۵۳۱

پست الکترونیک:

Egholipor@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از ضروریات زندگی اجتماعی این است که هیچ کس ضرر و زبانی را به دیگری وارد نکند و در صورت ورود ضرر آن را جبران کند. محدوده ورود ضرر نیز امروزه صرفاً جسم و جان انسان و یا تمامیت جسمانی افراد نیست، بلکه افکار، عواطف، روان و علقه‌های معنوی افراد نیز ممکن است مورد تعرض و آسیب قرار گیرد. حمایت از بزه‌دیدگان جرم و تسکین آلام جسمی، روحی، روانی و عاطفی آنان از مبانی ارزشی و اجتماعی مختلفی برخوردار است و موجب می‌شود که بزه‌دیده شخصیت از دست رفته خویش را بازیافته و از بزه‌دیدگی مجدد دور شود.

سیر تکامل حقوق جزا را می‌توان به سه دوره مختلف و مجزا از یکدیگر تقسیم کرد: نخستین دوره، دوره جرم‌مداری است، این دوران ریشه در حقوق جزای کلاسیک دارد که دغدغه اصلی آن، کیفردادن و مجازات بزه‌کار، با توجه به درجه وخامت و شدت عمل مجرمانه و بدون توجه به انگیزه مرتکب آن و اوضاع و احوال مشرف بر وقوع جرم است؛ دومین دوره که مجرم‌مداری نام گرفته، دائرمدار حقوق کیفری شخص مجرم یا بزه‌کار است. در همین دوران نهادهایی چون آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و... مورد توجه نظام تقنینی قرار گرفته است که البته این دگرگونی تا حدود زیادی ناشی از پیشرفت علم جرم‌شناسی است (۱)؛ در سومین دوره که دوره بزه‌دیده‌مداری است، در ابتدا این تفکر ایجاد و نضج گرفته بود که قربانی مستقیم جرم که تا پیش از این زیان دیده، بی‌گناه و مستحق حمایت تلقی می‌شد، می‌تواند با کارکرد اجتماعی و نیز با نوع رفتار خود با دیگران، الهام‌بخش اندیشه مجرمانه باشد و ارتکاب جرم را سبب شود. بزه‌دیده خود می‌تواند عامل وقوع جرم یا عنصر مؤثری در فرایند تکوین جرم باشد. با این حال، اندیشه‌های مدرن بدین سمت سوق نمود که هرچند ممکن است بزه‌دیده در وقوع جرم سهمی جزئی یا کلی داشته باشد، اما هم‌اکنون به دلیل خسارت وارده بر خود مستحق حمایت است.

اصل و قاعده اولیه این است که بزه‌کار مسؤول جبران خسارات وارده بر بزه‌دیده است، لیکن علل و عوامل مختلفی باعث شده تا این اصل در موارد عدیده، جامه عمل به خود نپوشد و بزه‌کار به هیچ وجه قادر به جبران تمام یا بخشی از خسارات وارد بر بزه‌دیده نباشد، گاه فاصله زمانی میان وقوع جرم و جبران خسارت توسط بزه‌کار طولانی است، در حالی که خسارت بالفعل بزه‌دیده، جبران بالفعل را می‌طلبد. ناچار باید در جستجوی شخص یا اشخاصی دیگر برآمد که به این مهم اقدام کنند و بی‌گمان دولت در این میان با توجه به وظایفی که بر عهده دارد و نیز با توجه به امکانات و منابع مالی بسیاری که در اختیار دارد، سهم فراوانی در این زمینه خواهد داشت (۲). اهمیت موضوع تحقیق از این جهت است که نظام خسارت‌زدایی فردی که بزه‌کار را مسؤول اولیه جبران خسارت نسبت به بزه‌دیده می‌داند، پاسخگوی جبران تمامی ضرر و زیان‌های وارده بر بزه‌دیدگان نیست و بر این اساس سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا ساز و کارهای ناظر بر خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرائم، خلأ موجود در خصوص خسارت‌زدایی فردی از بزه‌دیدگان را پر می‌کند؟

۲. ملاحظات اخلاقی

موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

۳. مواد و روش‌ها

در این مطالعه تحلیلی پس از جستجوی هدفمند منابع، نظریه خسارت‌زدایی جمعی، تبیین و مورد مطالعه قرار گرفت.

۳-۱. پیشینه مفهوم خسارت‌زدایی جمعی: نظریه مسؤولیت دولت پیشینه بلندی دارد و از نظر تاریخی تنها میان دولت‌ها اعمال شده و ادعاهای افراد علیه دولت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. افراد مدعی یا شاکی برای تقویت ادعاهای خود باید به دولت متبوع خویش متوسل شوند و این ادعاها را به منزله شکایت دولت علیه دولت دیگر ارائه کنند (۳).

۳-۲-۱. ترمیم مالی: هدف از برقراری نظام خسارت‌زدایی جمعی این است که تمام زیان‌های وارده بر بزه‌دیده جبران شده و ضرری جبران نشده باقی نماند. از مهم‌ترین گونه‌های خسارت‌زدایی و در همان حال، برجسته‌ترین گونه خسارت‌زدایی از بزه‌دیده، گونه مالی است. گونه مالی نه تنها در جبران زیان‌های مالی یا اقتصادی مصداق دارد، بلکه ممکن است در آسیب‌دیدگی‌های بدنی یا روانی و حتی در درد و رنج‌های عاطفی - حیثیتی نیز معنا پیدا کند. در این صورت، برای ترمیم و درمان این آسیب‌دیدگی‌ها لازم است از بزه‌دیده حمایت مالی شود، همچنان‌که ترمیم درد و رنج‌های عاطفی نیز ممکن است با تعیین مبلغی پول جنبه نمادین داشته باشد. گونه مالی هم در سطوح قانونگذارانه، قضایی و اجرایی سیاست جنایی رسمی یا دولتی و هم در سطح سیاست جنایی مشارکتی تصویب پذیر است (۶).

۳-۲-۲. ترمیم پزشکی: ارتکاب برخی از جرائم نسبت به بزه‌دیدگان منتهی به آسیب بدنی یا روانی می‌شود که در این صورت گونه پزشکی خسارت‌زدایی از بزه‌دیده اهمیت می‌یابد. در واقع درمان این آسیب‌ها را می‌توان به منزله حمایت پزشکی از بزه‌دیده نیز در نظر گرفت. آثار جسمانی یک تجاوز یا یک حادثه، متعدد است، ترمیم یک خسارت جسمی در مرحله اول، به صورت مراقبت و پرستاری از بزه‌دیده است. بزه‌دیده نخست به پزشک مراجعه می‌کند و از وی می‌خواهد که تا جایی که امکان دارد، خسارت وارد شده به بدن او را ترمیم کند و آن را به حالت اول برگرداند (۱). در نظام خسارت‌زدایی جمعی، بزه‌دیدگان جرم از زمان شروع به بزه‌دیدگی تحت حمایت کامل پزشکی قرار می‌گیرند و حق جبران آلام و صدمات جسمی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

۳-۲-۳. ترمیم عاطفی - روانی: درد و رنج‌های عاطفی و حیثیتی به منزله یکی از آثار مهم بزه‌دیدگی، عبارت است از ناراحتی‌ها و آزرده‌گی خاطر بزه‌دیده که از جریحه‌دار شدن یا لطمه خوردن به عواطف یا احساسات یا حیثیت او ناشی

خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرم را که بر اساس آن دولت خسارات وارده بر بزه‌دیدگان را جبران می‌کند، نخستین بار در سال ۱۹۵۷ مارگری فری در بریتانیا پی‌ریزی و ایجاد کرد، هرچند تلاش‌های صورت گرفته در آن زمان به شکست منتهی شد، ولی خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان به سرعت به مسأله‌ای عمده و اساسی در سراسر بریتانیا تبدیل گردید. نیوزیلند نخستین قانون در زمینه خسارت‌زدایی را در سال ۱۹۶۳ تصویب کرد که این قانون مورد اقتباس انگلستان در سال ۱۹۶۴ قرار گرفت. در ایالات متحده آمریکا، کالیفرنیا در سال ۱۹۶۵، نیویورک در سال ۱۹۶۶، هاوایی در سال ۱۹۶۷ و ماساچوست در سال ۱۹۶۸، خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرم را تصویب کردند. دولت فدرال نیز در سال ۱۹۸۴ اقدام به قانونگذاری در این زمینه نمود (۴).

نظام حقوقی ایران، هرچند با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴/۳/۲۴، حکم به پذیرش زیان‌های معنوی و منافع ممکن‌الحصول در کنار زیان‌های مادی نموده و تا حدود زیادی به حقوق بزه‌دیده چه در زمینه شکلی و چه ماهوی توجه شده است، لیکن هنوز تا برقراری نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم فاصله زیادی داشته و دستیابی به چنین نظامی با خلأهای تقنینی، قضایی و اجرایی بی‌شماری مواجه است.

۳-۲. گونه‌های خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان: نظام عدالت کیفری از گذشته تاکنون در خصوص بزه‌دیده کاملاً متفاوت عمل کرده است، به نحوی که امروزه بزه‌دیده نقش برجسته‌ای را در نظام عدالت کیفری ایفا می‌کند. در واقع می‌توان ادعا نمود که بزه‌دیدگان از نظر تاریخی نقش مهم‌تری را در تعیین عدالت ایفا کرده‌اند (۵). خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان به معنای این است که بزه‌دیده بتواند خسارات وارد بر خویش را جبران کند، صرف نظر از نوع خسارات وارده و صرف نظر از این‌که بزه‌کار توانایی جبران این خسارات را داشته باشد. در خسارت‌زدایی، بزه‌دیده تمام زیان‌های وارده اعم از مالی و غیر مالی را از دولت دریافت می‌کند.

به حال سابق و عدالت ترمیمی متجلی می‌شود. هدف از وضع مکانیزم‌های مذکور این است که خسارت بزه‌دیده خارج از نظام عدالت کیفری جبران شود (۷). مبانی نظام مذکور به قرار زیر است:

۳-۳-۱. **اضرار توسط دولت:** در نظام‌های کلاسیک جبران خسارت فقط بر عهده بزه‌کار است. این اصل، هرچند عادلانه است، اما در جایی که مرتکب جرم ناشناخته و یا از تعقیب قضایی فرار کرده یا در شرایطی است که امکان جبران خسارت توسط وی وجود ندارد، لازم است که برای جبران خسارت سیاست دیگری در نظر گرفته شود. بنابراین توصیه شده که جبران خسارت بر عهده دولت باشد، زیرا جرم نشان‌دهنده فقدان یک دولت تضمین‌کننده نظم عمومی است یا این‌که بزه‌دیده، قربانی یک جامعه جرم‌زا است و جامعه باید نتایج این موقعیت‌های آسیب‌زا را تضمین کند. جبران خسارت بزه‌دیده امروزه از طریق صندوق تضمین توسط دولت و به طور مستقل از نظام کیفری پیش‌بینی شده و وابسته به ادراک وسیع مفهوم ترمیم است (۷). اگر شرایط جبران خسارت بزه‌دیده از سوی بزه‌کار فراهم نباشد، جبران خسارت از طرف دولت مطرح می‌شود. بر این اساس، مبنای حمایت از بزه‌دیده، قصور دولت است، زیرا بدون تردید یکی از اهداف اساسی دولت‌ها ایجاد نظم و حراست از امنیت، حقوق، آزادی و حیات شهروندان است. دولت در مقابل شهروندان خود مسؤولیت دارد و یکی از وظایف و تکالیف مهم دولت، تأمین امنیت است، چنانچه در اثر قصور عمدی یا ناآگاهانه دولت، بخشی از شهروندان متضرر شوند، دولت باید جایگزین شهروند متخلف شده و خسارات وارده بر آن‌ها را بپردازد، زیرا تأمین امنیت از وظایف دولت و خصایص حاکمیت ملی است (۸). جبران دولتی خسارت بزه‌دیدگان عبارت است از «پرداخت پول از طرف دولت در برابر زیان یا آسیب برخاسته از جرم، هرگاه این پرداخت از جانب بزه‌کار یا دیگر منابع مالی امکان‌پذیر نباشد» (۹).

منظور از جبران دولتی خسارت بزه‌دیده، جبران خسارت توسط قدرت سیاسی و هیأت حاکمه است، نه دولت در معنای

می‌شود. به سخن دیگر، درد و رنج‌های عاطفی و حیثیتی، یعنی تأثیرپذیری یا واکنش روانی بزه‌دیده که در برخورد با پدیده‌ای بیرونی به نام جرم در او ایجاد می‌شود و ممکن است به شکل ترس، خشم، کینه و مانند آن نمایان گردد. این‌گونه از خسارت‌زدایی را گونه روان‌شناختی نیز می‌نامند، زیرا بدون آن که به درمان‌های پزشکی بینجامد، با مشاوره‌ها یا مداخله‌های روان‌شناختی حتی از سوی خانواده یا دوستان بزه‌دیده ترمیم پذیر است. امروزه در فرانسه همراهی روانی بزه‌دیدگان بزرگسال، در مراکز خصوصی روان‌درمانی صورت می‌گیرد. بعضی از انجمن‌های کمک به بزه‌دیدگان نیز، پذیرش بزه‌دیدگان توسط روان‌شناسان را تضمین کرده‌اند. در آمریکا نیز همانند کانادا، در مراکز پذیرش بزه‌دیدگان، روان‌شناسانی به طور دائم به منظور پذیرش بزه‌دیدگانی که دچار تروماتیسیم شده‌اند، حضور داشته، پیگیری روانی درمانی را به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند. این روان‌شناسان برای همراهی و کمک به گروه‌های دائمی که به علت رو به روشن شدن با بزه‌دیده در موقعیت‌های بسیار دشوار دچار اضطراب و سردرگمی شده‌اند، آماده‌اند (۱).

۳-۳-۲. **مبانی هنجاری نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم:** نظام‌های عدالت کیفری در سابق کاملاً متفاوت از نظام‌های مدرن امروزی بوده به نحوی که امروزه بزه‌دیده نقش متفاوتی را ایفا می‌کند. در واقع این ادعا می‌تواند مطرح شود که بزه‌دیدگان از نظر تاریخی، نقش مهم‌تری در تعیین عدالت ایفا کرده‌اند (۵). نظام خسارت‌زدایی جمعی که با هدف جبران تمامی صدمات و آلام جسمی و روحی و عاطفی وارده بر بزه‌دیده به عنوان قربانی مستقیم و بستگان وی به عنوان قربانی غیر مستقیم ایجاد و تأسیس شده، طبق مبانی، اصول و معیارهایی شکل گرفته است که پرداخت خسارت بر بزه‌دیدگان جرم، خارج از فرایند رسیدگی کیفری از سوی دادگاه و توسط نهادهایی به غیر از بزه‌کار توجیه شود. مکانیزم‌هایی که به منظور جبران زیان‌های وارده بر بزه‌دیده پیش‌بینی شده است، در سه شکل خسارت‌زدایی، اعاده وضع

۳-۳-۳. حمایت از بزه‌دیده: در سال ۱۹۷۰ جرم‌شناسان، بزه‌دیدگان را به عنوان بخش فراموش‌شده نظام عدالت کیفری کشف کردند و اقدامات حمایتی را انجام دادند که این اقدامات به ورود بزه‌دیده به فرایند عدالت کیفری منتهی شد. تا این اواخر، تئوری عدالت، صرفاً در محدوده عدالت ترمیمی به کار گرفته می‌شد که با اقدامات و تمهیدات صورت گرفته، عدالت بیشتر از آنکه بر روی مجازات مجرم یا بزه‌کار متمرکز باشد، دائرمدار بزه‌دیده قرار گرفته است (۱۲). سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار در وهله نخست در گرو شناسایی بزه‌دیده و سپس پیش‌بینی حق‌هایی مشخص برای او در چارچوب یک الگوی حمایتی چندگانه است که دولت باید آن را به منزله یکی از جنبه‌های سیاست اجتماعی در جهت گیری‌های قانونگذارانه قضایی - اجرایی خود بگنجانند و در این راستا، همکاری و مشارکت با جامعه مدنی را نیز برتابد (۶). در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی که قرائت ایدئولوژیک از بزه‌دیده‌شناسی است، صرف نظر از این‌که مجنی‌علیه در ارتکاب جرم سهم داشته یا خیر، در واقع متضرر شده و جامعه باید از او حمایت کند. جامعه مکلف است از قربانیان جرم حمایت کند، زیرا صرف نظر از نقشی که شخص در فرایند ارتکاب جرم داشته، در نقطه‌ای مضروب شده، توانایی خود را از دست داده و باید از افراد تحت تکفل وی هم حمایت شود. در اینجا بزه‌دیده‌شناسی علمی و علت‌شناختی که به شخصیت مجنی‌علیه توجه می‌کند، از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، که افراد تحت تکفل را هم مورد حمایت قرار می‌دهد، متمایز می‌شود (۶).

یکی از جلوه‌های حمایت از بزه‌دیده، حمایت کیفری است که از طریق جرم‌انگاری و کیفرگذاری عینیت می‌یابد، لیکن جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده از طریق دولت، مردم و نهادهای مدنی موجب آشتی جامعه با بزه‌کار است. به عبارت دیگر، با بازگشت آرامش به جامعه، بزه‌کار بهتر می‌تواند بازپذیر شده و به جامعه برگردد و بزه‌دیده‌ای که دولت خسارات وی را تحت شرایطی جبران کند، نسبت به بزه‌کار تنفر و خصومت کم‌تری حس خواهد کرد.

خاص آن، یعنی قوه مجریه (۱۰). به طور خلاصه فرض مسؤولیت برای دولت در جبران خسارات ناشی از ارتکاب جرم، قصور و یا تقصیر دولت در پیشگیری از موقعیت‌های خطر آفرین و اضرار به شهروندان بوده است. از این رو جبران و تدارک ضرری را که مع‌الواسطه و به تسبیب موجب شده است، عهده‌دار خواهد بود.

۳-۳-۲. همبستگی، عدالت و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی: تفکر اصلی و اساسی خسارت‌زدایی جمعی یا گروهی از بزه‌دیدگان در همبستگی اجتماعی نهفته است، یعنی بزه‌دیده را نباید به حال خود رها کرد. تنها یکی از آلام بزه‌دیده با مجازات مجرم جبران می‌شود، ولی آلام دیگری نیز وجود دارد. در اینجا جامعه مدنی برای جبران خسارت به کمک می‌آید و هرگاه این تأسیس خسارت‌زدایی جنبه قانونی به خود گیرد، دولت برای ترمیم خسارات قربانیان جرائم از شهروندان هم کمک خواهد خواست. در ابتدای متن کنوانسیون اروپایی خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار (۱۱) به دو مبنای انصاف و همبستگی اجتماعی، برای برقراری خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرائم خشن و وابستگان ایشان اشاره شده است.

در حقوق اسلام و به تبع آن در قوانین کیفری ایران، تأسیس نهاد عاقله را در پرداخت دیه (خسارت مالی در جنایات) می‌توان بر همین مبنا توجیه کرد. عاقله همان اقارب ذکور نسبی بزه‌کار هستند که در نوع خاصی از جنایات موسوم به خطای محض (که در آن جانی نه قصد ارتکاب فعل مجرمانه علیه قربانی را داشته و نه خواستار نتیجه حاصله بوده، لیکن جنایت به نحو خطایی واقع شده، مانند آنکه تیری به قصد شکار شلیک شده و اتفاقاً به انسان بی‌گناهی اصابت کرده است) عهده‌دار دیه خواهند بود. بستگان مذکور با این‌که هیچ دخالت و یا حتی اطلاعی از وقوع جنایت حاصله ندارند، نظر به روح همبستگی و مسؤولیت‌پذیری جمعی در قبال خویشان خود و جبران قطعی خسارات وارده بر قربانی جرم، متکفل پرداخت دیه یا خون‌بها خواهند بود.

از بزه‌دیدگان بر مبنای کنوانسیون خسارت‌زدایی بنا شده است. چنانچه امکان خسارت‌زدایی از منابع دیگر وجود نداشته باشد، دولت به خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان واجد شرایط و مستحق، به خصوص بزه‌دیدگان متحمل صدمات جسمانی شدید یا نقص عضو مکلف است. تکلیف به خسارت‌زدایی، حتی به مواردی که مرتکب جرم تعقیب نشده و یا مورد مجازات قرار نگرفته نیز قابل تعمیم خواهد بود (۱۳).

نظام حقوقی فرانسه با تصویب قانون ششم جولای ۱۹۹۰، نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم را ایجاد کرد که فرایند خسارت‌زدایی بر اساس این قانون کاملاً مستقل از فرایند رسیدگی به رفتار مجرمانه بوده و صرف نظر از این است که مرتکب جرم‌شناسایی شده باشد. این فرایند به بزه‌دیدگان جرائم عمدی و غیر عمدی اجازه و امکان می‌دهد که خسارات ناشی از جرم را از طریق کمیسیون خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان ناشی از جرم‌که مرجع اختصاصی جبران خسارت است، جبران کنند. بر اساس قانون مذکور، بزه‌دیدگان جرائم شدیدی همچون تعرض به اشخاص شامل هتک ناموس به عنف، تهدید به آزار جنسی، قتل عمدی یا غیر عمدی، خشونت عمدی یا غیر عمدی که موجب غیبت کامل از محل کار به مدت بیش از یک ماه شود، می‌توانند خسارت را به طور کامل دریافت کنند.

آنچه از مجموع این قانون برداشت می‌شود، این است که سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر حقوق بزه‌دیده، نه فقط مستلزم تأیید دادگاه‌ها بلکه جامعه مدنی (از طریق انجمن‌های کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان) نیز هست؛ این سیاست در واقع، یک سیاست جنایی مبتنی بر مشارکت جامعه مدنی است (۱۴).

۳-۴-۲. خروج از شمول فرایند کیفری: در نظام خسارت‌زدایی فردی، بزه‌دیده می‌تواند جبران خسارات مادی یا معنوی ناشی از جرم را از طریق اقامه دعوی جبران خسارت به عنوان بخشی از فرایند رسیدگی کیفری مطرح و از دادگاه تقاضا کند که در حیطه صلاحیت خویش، مرتکب را به پرداخت خسارات

۳-۴-۳. مصلحت: طبق قاعده اولیه، بزه‌کار مسؤول جبران خسارت بزه‌دیده است، اما عوامل متعددی مانند ناشناخته‌ماندن بزه‌کار، ناکافی بودن ادله اثبات جرم، فرار، خودکشی و مرگ بزه‌کار باعث می‌شود که خسارت بزه‌دیده در موارد متعددی جبران نشده باقی بماند. از سوی دیگر، منافع و مصالح فراوانی که در جبران خسارت بزه‌دیده وجود دارد، مانند جلوگیری از انتقام‌گیری وی از بزه‌کار، پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد و بازگشت سریع و مطمئن قربانی به حالت پیش از بزه‌دیدگی، باعث شده است تا نقش دولت در این زمینه مطرح شود و سخن از جایگزینی طولی دولت به جای بزه‌کار نخستین به میان آید. در نتیجه امروز اصل جبران خسارت بزه‌دیده توسط دولت یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی برخی از کشورها شده است (۱۲).

۳-۴-۴. پایه‌های نظام خسارت‌زدایی جمعی: در نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم، مسأله اصلی این است که بخش‌های دولتی و عمومی تحت چه شرایطی خود را مکلف به ترمیم و جبران خسارات ناشی از جرم می‌دانند؟ به عبارتی دیگر، در این موارد نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد از یکسو و مردم از سوی دیگر، در فرایند خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان شرکت می‌کنند. فهم و درک این مهم میسر نخواهد شد، مگر این‌که پایه‌های نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم‌شناسایی و تبیین شده باشد.

۳-۴-۱. وجود قانون خاص: یکی از پایه‌های مهم نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم این است که قانون خاصی که تضمین‌کننده پرداخت تمامی خسارت وارده به بزه‌دیدگان باشد، تصویب شود. تأسیس نظام خسارت‌زدایی جمعی ابتدا در سال ۱۹۸۳ و در چارچوب کنوانسیون خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار در شورای اروپا به تصویب رسید، سپس سازمان ملل متحد، در دوم نوامبر ۱۹۸۵، در قالب قطع‌نامه‌ای مشهور به «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرائم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، این تأسیس را پذیرفت. در انگلستان، الزام دولت به خسارت‌زدایی

و غیر مستقیم. به سخن دیگر، افزون بر شخصی که به طور مستقیم از رخداد جرم آسیب و زیان دیده، خانواده، خویشاوندان، بستگان و حتی اشخاصی که در جریان کمک به بزه‌دیدگان یا در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی، دچار آسیب و زیان شده‌اند (مانند وکلای مدافع یا مددکاران اجتماعی) نیز در گستره این تعریف می‌گنجد. امروزه علاوه بر بزه‌دیده نخستین یا مستقیم، از بزه‌دیدگان دومین و سومین نیز یاد می‌شود (۱۶)، مانند رابطه جنسی نامشروع که دو یا چند طرف اعم از بزه‌کار، قربانی و خانواده وی در رفتار مجرمانه دخالت دارند. ملاک بزه‌دیده اصلی یا دومین، آسیب و زیانی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به شخص زیان‌دیده وارد می‌شود و نه فقط شخصیت و نسبت شخص مرتبط با آن رخداد مجرمانه (۱۷).

۴. یافته‌ها

هدف از طرح خسارت‌زدایی جمعی، حمایت از بزه‌دیده و ترمیم خسارات پزشکی، مادی و روانی در خارج از ساز و کارهای مرسوم و در اسرع وقت است. مبنای آن نیز مسؤول شناختن دولت از یکسو و جبران ضررهای وارده از سوی دیگر است.

۵. بحث

امروزه با توجه به اهمیت جایگاه بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری، بسیاری از نظام‌های حقوقی برآنند که خسارات و زیان‌های وارده بر بزه‌دیده در اثر ارتکاب جرم به گونه‌ای جبران شود که بزه‌دیده صرف نظر از تعقیب یا عدم تعقیب کیفری بزه‌کار و نیز صرف نظر از این‌که وی توانایی جبران زیان‌های وارده بر بزه‌دیده را داشته باشد، تمام خسارات خود را اعم از مادی، معنوی و روانی دریافت کند. دستیابی به این امر مهم زمانی میسر خواهد شد که نظام خسارت‌زدایی جمعی در بستر سیاستگذاری تقنینی شکل گرفته تا خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان خارج از فرایند رسیدگی دادگاه، تسریع و تسهیل شود.

ناشی از جرم و منافع آن محکوم نماید. این شیوه از خسارت‌زدایی که در خاتمه فرایند رسیدگی کیفری صورت می‌گیرد، زمانی مؤثر و کارآمد خواهد بود که مرتکب جرم‌شناسایی شود و قادر به جبران و اعاده وضع به حالت سابق باشد. در نظام خسارت‌زدایی جمعی، گذشته از این‌که مرتکب عمل، شناسایی، تعقیب، دستگیر، محاکمه یا محکوم شده یا نشده باشد، شخص می‌تواند بزه‌دیده انگاشته شود. این مسأله در چگونگی احقاق و اعمال حق جبران برای بزه‌دیده اهمیت می‌یابد، زیرا بر پایه ملاک‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، در جبران خسارت، دولت است که باید از عهده پرداخت غرامت به بزه‌دیده برآید، فلذا صرف اثبات بزه‌دیدگی صرف نظر از سایر اجزای بزه‌کاری کافی خواهد بود (۱۵).

۳-۴-۳. تسهیل در خسارت‌زدایی: نظام خسارت‌زدایی جمعی جرم بدین‌منظور تأسیس شده است که در مسیر خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرم هیچ‌گونه مانعی وجود نداشته باشد و جبران خسارت به راحت‌ترین شیوه و سهل‌ترین روش صورت گیرد. به عبارت دیگر نظام مذکور در نتیجه ناکارآمدی خسارت‌زدایی فردی از بزه‌دیدگان به وجود آمده است که بر اساس آن بزه‌دیده باید به منظور جبران خسارات ناشی از جرم، وارد فرایند پیچیده و طولانی رسیدگی کیفری شود و علیه بزه‌کار اقدام به طرح دعوی کند.

در نظام حقوقی فرانسه، در راستای تسهیل خسارت‌زدایی کامل از بزه‌دیدگان جرم، اولین قانون در زمینه خسارت‌زدایی جمعی در پرتو کنوانسیون نوامبر ۱۹۸۳ شورای اروپا در خصوص ترمیم خسارات آن دسته از قربانیان جرائم تروریستی بوده که مرتکب آن‌ها مشخص نیست. از این رو دولت مکلف به پرداخت خسارت‌شده است، سپس نظام تقنینی فرانسه، در کنار رژیم خاص قربانیان جرائم تروریستی، رژیم عمومی برای کلیه جرائم ایجاد نمود و بدین‌نحو قانون خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرم مصوب ۱۹۹۰ وارد نظام حقوقی این کشور شد (۱۴).

۳-۴-۴. تسری خسارت‌زدایی به بزه‌دیده غیر مستقیم: در نظام خسارت‌زدایی جمعی، بزه‌دیده اعم است از بزه‌دیدگان مستقیم

۶. نتیجه‌گیری

یکی از اصول مهمی که ضامن اجرای خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرم است، اصل مسؤولیت مطلق دولت در جبران کامل خسارات وارده بر بزه‌دیدگان در بستر لاضرر و عدالت و همبستگی اجتماعی است. با توجه به تحلیل صورت گرفته و به منظور جبران کامل زیان‌های وارده بر بزه‌دیدگان جرائم توصیه می‌شود که نظام تقنینی قوانین و مقررات جامع و کاملی را وضع و تصویب کند، به نحوی که نظام خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان به منصفانه ظهور رسیده و جلوه عینی و عملی به خود بگیرد.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

۸. سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی توسط نویسندگان صورت گرفته است؛ تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نظارت بر کار بر عهده نویسنده مسؤول بوده و نگارش متن مقاله توسط نویسنده دوم صورت گرفته است.

۹. تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

References

1. KordAlivand R. Victim and Victimology. 2nd ed. Tehran: Majd Press; 2009. [Persian]
2. Haji Dehabadi A. Victim Confiscation Offender. *Figh & Law J* 2005; 12(2): 97-111. [Persian]
3. Rayejian Asli M. International Victimimology, Rights of Victims. 1st ed. Tehran: Shahr Danesh Press; 2013. p.39. [Persian]
4. Donner W. Victimology. 6th ed. USA: Anderson Publishing; 2012.
5. Moriarty J. Controversies in victimology. 2nd ed. Virginia: Anderson Publishing; 2014. p.21.
6. Rayejian Asli M. Victimology & Criminal Sciences. 1st ed. Tehran: Shahr Danesh Press; 2012. p.114. [Persian]
7. Hall M. Victim of Crimes. 3rd ed. Paris: Palgrave Macmilan Press; 2017. p.64.
8. Abrandabadi AH. Criminal Policy. 7th ed. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2018. p.40. [Persian]
9. Bazyar A. Governmental Remedy for Victims. 4th ed. Tehran: Tarbiat Modarres University Press; 2007. p.23. [Persian]
10. Katuzian N. Compulsory Responsibility. 18th ed. Tehran: Tehran University Press; 1998. p.233. [Persian]
11. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes Strasbourg, 24/11/1983.
12. Fallahi A. Comparative Study on Victim Compensation. 1st ed. Tabriz: Tabriz University Press; 2009. p.14. [Persian]
13. Wolhuter L. Victimization and Rights. 4th ed. USA: Rutledge-Cavendish Press; 2009. p.200.
14. Abrandabadi AH. Introduction to Criminal Policy. 2nd ed. Tehran: Mizan Press; 2013. p.130. [Persian]
15. Wolbert Burgess A. Victimology: Theories. 7th ed. Canada: Jones Publisher; 2018. p.210.
16. Walklate S. Handbook of Victims and Victimology. 4th ed. London: Rutledge Press; 2017. p.110.
17. Kett M. International Handbook of Victimology. 6th ed. USA: CRC Press; 2019. p.58.



BEJ

Bioethics Journal

2020; 10(35): e8

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-be>



ORIGINAL RESEARCH

Normative Foundations of Collective Compensation Making for Victims

Faramarz Gholipour Jamnani^{1*}, Seyed Reza Ehsanpour²

1. Assistant Professor of Criminal law, Ramsar Branch, Islamic Azad University, Ramsar, Iran.

2. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Shahed University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 17 September 2019

Accepted: 28 June 2020

Published online: 24 August 2020

Keywords:

Offender

Victim

Compensation Making

Normative Foundations

State

ABSTRACT

Background and Aim: This study was conducted in relation to moral and social supports for victims and their physical and psychological alleviation. It also aimed to explain the theory of co-compensation of crime victims and analyze its normative foundations.

Materials and Methods: In this descriptive study, after the purposeful search and review of resources, the theory of co-compensation was explained and its normative foundations were analyzed.

Findings: One of the most important concerns of legal systems is to compensate for all damages and losses incurred by the crime in the shortest time and the most convenient manner outside the process of criminal court proceedings irrespective of the prosecution or punishment of offender his ability or inability to compensate for damages. This issue will be possible when a Co-compensation system is governed. The corner stone of this theory is that the Government or NGOs will compensate the harms and then sue the offender to receive paid remedies. The normative foundations of this policy are justice, social solidarity and the necessity of supporting victims of crime. This theory involves the restoration of material, emotional and even medical damages.

Ethical Considerations: Honesty and confidentiality have been observed.

Conclusion: In Iranian criminal system, except for the notion of Zeman Aghele that is an exceptional institution derived from criminal jurisprudence, there is no specific regulation and judicial procedure related to collective compensation for losses outside the judicial system. It is recommended the principle of Collective Compensation be established by the criminal policy makers.

* Corresponding Author: **Faramarz Gholipour Jamnani**

Address: Islamic Azad University
Ramsar, Iran.

Postal Box: 46919-66434

Tel: 0911 377 5355

Email: Ehssanpour@shahed.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Gholipour Jamnani F, Ehsanpour SR. Normative Foundations of Collective Compensation Making for Victims. *Bioethics Journal* 2020; 10(35): e8.